



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
سؤالات - اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی

شماره تلفن: ۸۸۹۴ - ۸۸۹۵ - ۸۸۹۶ - ۵۴۴۸

سال سوم - شماره ۷۷۶

صفحه ۲۱۷۳

دوره پانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۵۱۱

۵ شنبه ۲۳ مهر ماه ۱۳۲۶

بیر: سید محمد هاشمی

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

- ۱- صورت مشروح مذاکرات بیست و چهارمین جلسه دوره پانزدهم از صفحه ۱ تا ۸
- ۲- آگهی های رسمی ۹

مذاکرات مجلس

جلسه ۲۴

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز سه شنبه ۲۱ مهر ماه ۱۳۲۶

فهرست مطالب:

- ۱- تصویب صورت مجلس
- ۲- بیانات قبل از دستور چند نفر از آقایان نمایندگان
- ۳- موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس یکساعت بیش از ظهر بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید.

۱- تصویب صورت مجلس

صورت مجلس روز یکشنبه ۱۹ مهر ماه را آقای صدر زاده (منشی) قرائت نمودند

یکساعت و ده دقیقه قبل از ظهر روز یکشنبه ۱۹ مهر ماه مجلس بریاست آقای رضا حکمت تشکیل و صورت دو جلسه پیش قرائت و تصویب شد.

اسامی غائبین جلسه گذشته کضمن صورت مجلس خوانده شد:

غائبین با اجازه: آقایان: محمدعلی منصف مین زاده باقری - محمد تقی بهار - ابوالفتح قهرمان.

غائبین بی اجازه: آقایان: محسن گنابادی - حسن اکبر - محمد طباطبائی سلطان العلماء - دکتر جلاء عبده - سید حسن تقی زاده - علی و کیلی.

دیر آمده با اجازه: آقای عبدالرحمن فرامرزی

دیر آمدگان بی اجازه: آقایان: رستم کیو آفاخان بختیار - دکتر عبدالعزیز اعتبار - دکتر

عبدالحسین راجی - ابوالفضل تولیت - دکتر عبدالحسین طباطبائی - دکتر جواد آشتیانی - احمد شریعت زاده - محمد اسلامی - شهاب خسروانی - مهدی مشایخی - منوچهر گلپادی - اسدی - نوپلر.

انتخاب یک نفر کارپرداز دیگر مقدم بر نطق قبل از دستور قرار گرفت و اخذ رأی بعمل آمد در نتیجه

از ۱۱۶ نفر عده حاضر آقای ابوالقاسم امینی با هفتاد رأی بسمت کارپرداز انتخاب شدند و آقای محمد علی مسعودی نیز ۴۴ رأی داشتند.

انتخاب کمیسیونها بعد موکول شد و لایحه پیشنهادی وزارت فرهنگ راجع بالحاق ایران بسازمان علمی و فرهنگی و تربیتی ملل متحد و قبول اسامی آن قرائت گردید.

آقای رفیع بااصل لایحه و فوریت آن مخالف بوده نسبت به مشکلاتی که برای شاگردان مدارس ایجاد میکنند توضیحاتی دادند و آقای دکتر شرفی بمناسبت لزوم الحاق ایران باین سازمان بعنوان موافق بیاناتی نمودند.

آقای وزیر فرهنگ راجع به عضویت ایران در سازمان ملل متحد و مواد منشور ملل مربوط بنگاهداری صلح و امنیت بین المللی از طریق همکاری و حل مسائلی که جنبه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و انسان دوستی دارد بدون تمایز نژاد و زبان و مذهب توضیحاتی داده گفتند که چون درغیاب مجلس از طرف دولت اعلام موافقت شده بود اکنون برای تصویب تقدیم مجلس شورای ملی و تقاضای یک فوریت شده است دو کمیسیون و مجلس مورد مطالعه آقایان نمایندگان قرار خواهد گرفت و نسبت به بیانات آقای رفیع توضیحاتی دادند و بفوریت لایحه اخذ رأی و تصویب شد و سپس طرح قانونی بامضاء جمعی از نمایندگان راجع بمنع استفاده از نقش پرچم ایران در صورت و نقشهای اعلانی قرائت شد و آقای دهقان درینباره توضیحاتی دادند و آقای فولادوند مخالف بودند و شرحی بیان نمودند که لایحه بدون فوریت مورد مطالعه قرار بگیرد.

آقای ملک مدنی بعنوان مخالف ضمن توضیح نسبت بقسمت مربوط بمجازات متخلفین مذکور در طرح تقدیمی بوضع حکومت نظامی و توقیف اشخاص

● مذاکرات مشروح بیست و چهارمین جلسه از دوره پانزدهم قانون گذاری

اداره تد نویسی و تحریر صورت مجلس

برخلاف مقررات آن بیاناتی نمودند و بفوریت این طرح اخذی را بعمل آمد و تصویب نشد.

درین موقع ختم جلسه برای تشکیل جلسه خصوصی مطرح گردید و آقای فرامرزی مخالف بوده اظهار داشتند که لایحه‌ای برای لغو حکومت نظامی تقدیم کرده اند قرائت نشده است.

ده دقیقه قبل از ظهر مجلس ختم شد و جلسه آینده بروز ۳ شنبه ۲۱ مهر موکول و دستور مراسم سوگند و انتخاب کمیسیونها مقرر گردید.

رئیس - نسبت بصورت مجلس نظری نیست؟

فرامرزی - بنده عرضی داشتم.

فرامرزی - اولاً بنده عرض کردم طرحی است که بنده تقدیم کردم و عرض نکردم لایحه است و ثانیاً هم موافقت شد که این طرح جزء دستور شود، در صورت جلسه قید نشده است (صحیح است).

رئیس - البته از طرف نمایندگان طرح است ک داده میشود، دیگر نظری بصورت جلسه نیست؟ (گفته شد - خیر) صورت مجلس جلسه قبل تصویب شد.

۴- بیانات قبل از دستور چند نفر از آقایان نمایندگان

رئیس - عده‌ای از آقایان اجازه خواسته اند برای نطق قبل از دستور. آقای دکتر اعتبار.

کشاورز صدر - بنده ابتدا اجازه خواستم.

رئیس - این طور که منشی‌ها نوشته اند این است.

دکتر اعتبار - بنده عرضی خیلی مختصر است

اجازه بدهید همین جا عرض کنم چیزی که خیال میکنم مورد علاقه همه آقایان نمایندگان باشد موضوع جرایم است (صحیح است) از چندین بابت طرف راست و چپ تمام این جرایم را توقیف میکنند یک تلگرافی هم امروز بمجلس آمده است و رونوشته هم بآقایان فرستاده است که میگوید پس از انتشار شماره اخیر روزنامه کبیر ارازل و اوباش و چاقو کشان و ایستة بمحافل دولتی تهدید اینچنانیان پرداخته دو شب است یکک مأمورین دولت دفتر روزنامه را محاصره و سلب امنیت شده است تأمین جان نداشته و نداریم نجات مدیر روزنامه کبیر عرض میکنم که بنده نمیخواستم وارد این تلگراف بشوم ولی چیزی که هست اینقدر که بنده اطلاع دارم از چند روز قبل هفت و هالی نه روز نامه‌های مردم امروز آتش‌القیاب صدای مردم کبیر، طهران امروز اینها توقیف هستند، این وضع باین صورت بایستی خانه داده شود و اقامت آنها خلافی کرده اند بایستی محاکمه شوند و تکلیفشان روشن شود همین‌طور روزنامه هارا توقیف کردن خیال نمیکند که صحیح باشد اگر مقصود توهین است که روز نامه‌های دمکرات و فرمان و سایرین را ببینند چه توهین‌هایی باشخاص میکنند (صحیح است) و هیچ ترتیب اثری نمیدهند (صحیح است) شاید کوچکتر از این باشد که بهش ترتیب اثر بدهند ولی اگر بصرف اینکه یک روز نامه از بردارد حقایق را بنویسد ایشرا بردارد توقیفش کنند این ترتیب صحیح نیست.

رئیس - آقای قبادیان

هم نماینده مردم هستم مجبورم این مطالب را بر سر مجلس و دولت برسانم چرا عجله میفرمائید نمایندگان - بفرمائید (آقا) اینچنان بر رژه و سرپرستان ایالات صفحه غرب که در تنگ حضرت امام حسن علیه السلام (اینجا یک قسمگاهی است معروف بقدمگاه حضرت امام حسن که مابین قصر شیرین و گیلان غرب است) مجتمع و اتحادیه‌ای تشکیل داده بنام همکاری دولت و فداکاری در راه استقلال کشور ایران و استقلال با عظمت تاج و تخت کشور شاهنشاهی و جلوگیری از اعمال شوم خودمختاران و تجزیه طلبان میدانیم و این ورقه را بنام نمایندگان و کالت راجع بهمین مقصود مقدس از طرف خود با آقای هیاس قبادیان تقدیم مینمایم که در انجام وظایف نمایندگان در پیشگاه دولت علیه ایران ابلاغ فداکاری صفحه غرب و استفاده‌ای بذل توجه نسبت به مصالح عموم را بنمایند و عملیات ایشان مورد تصویب این جانب خواهد بود این عده از رؤسای ایالات غرب هستند از قبیل خوانین، سنجابی، گوران، خالجه‌ستانی، بابا جانی، قبادی، کلهر، پشت کوه این یک و کالت نامه‌ای بود یک نامه دیگر هم هست که بنامه الان پیدا نکردم چون وقت مجلس را نمیخواهم بگیرم عرض میکنم در موقعیکه این اتحادیه تشکیل شد از تمام اطراف و جوانب ایران یک زمره‌های شومی بر علیه استقلال و تمامیت ارضی ایران شروع شده بود بنده با اینکه مورد تعقیب و تعرض حزب توده و طرفداران حزب توده بودم بدون اینکه ترس و واهمه‌ای بخود راه بدمم اگر نظر آقایان باند در آن موقع در تمام جرایم اهلبه‌ای از طرف محمد قاضی و حزب کومله صادر شده بود که در ظرف سه روز کرمانشاه را اشغال خواهند کرد و روی این قسمت مردم ایلات غرب که اجتماع کردند بنده آن حوادث را برای آن مردم روشن کردم و گفتم تحریکات خارجی این مردم را رادار کرده است که یک همچو زمره‌های شومی شروع میکنند اگر بنا بود ایلات غرب و اهالی محترم کرمانشاه که همیشه روح فداکاری و میهن پرستی در وجودشان بوده و هست (صحیح است) تسلیم باین قضایا بشوند من خیال میکنم آنها نه تنها ضربت بزرگی بخودشان زده اند بلکه بجا کیمت و استقلال ایران هم زده اند ما باید برای رضایت خاطر خداست اتحاد و اتفاق بیهوده بر مبرم و برخلاف مصلحت کشور اقدامی نکنیم و نسبت بآن زمره‌های شوم با تمام قوه و قدرتی که داریم مبارزه کنیم خوشبختانه مردم اهالی غرب پیشنهاد بنده را پذیرفتند و در این راه از بذل کوشش جانان و مالا کوتاهی نکردند و اتحادیه‌ای که در غرب تشکیل شد بقدری این اتحادیه قوی بود که بالاخره اهالی شهرستان کرمانشاه هم متوجه منافع این اتحادیه شدند و دوستی و دوستی را بطرف ایلات خودشان دراز کردند و با نهایت دوستی و صمیمیت در کرمانشاه موماً اجتماع کردیم و یک اتحادیه‌ای بنام اتحادیه ایلات غرب در کرمانشاه تشکیل دادیم و در آن موقع تلگرافاتی بعرض پیشگاه اعلیحضرت همایونی و دولت جناب اشرف آقای قوام السلطنه و هیئت دولت مغایره شد ما از اشخاصی نبودیم که برخلاف قانون اساسی تقاضا هائی از دولت خودمان بکنیم که در آن موقع مهم و خطیر در واقع کمکی بمنجاسرین و آشوب طلبان آذربایجان و کردستان شده باشد و از این راه دولت مرکزی خودمان را

تضعیف کرده باشیم و آنها یک نتیجه مثبتی بگیرند ما تمام قوای فعاله خودمان را جمع کردیم برای اینکه روحیه ملت ایران را قوی بکنیم و پشتیبانی بکنیم از ارتش ایران و در عملیات شرکت بکنیم اهالی غرب حاضر شدند فردا فرد خودشان را در این راه فدا کنند یعنی واقفاً حاضر شده بودند از جان و مال و حتی ایدی الاقتضا اگر لازم شد پیرمردها و بچه‌هاشان را وارد کنند و در این عمل شرکت بدهند البته در رادیوهای بیگانه زمره‌های شومی هم نسبت بتجزیه غرب و مخصوصاً یک چیزهایی هم بنده نسبت دادند و این چیزها را لازم بود که بنده در انظار ملت ایران روشن کنم مخصوصاً در پیشگاه مجلس شورای ملی که بنده با آن زمره‌ها مخالف بودم و علناً تکذیب کردم و بلافاصله هم به شخص آقای نخست وزیر و دولت شان هم بنما دارتم نوشتم که این اخبارات و اراخیف برای این است که یک نسبت خیانتی بما بدهند و روحیه ملت ایران ضعیف بشود که ملکه از این راه یک نشتی در میان ملت ایران فراهم بشود که بیگانگان بتوانند بفتح خودشان استفاده بکنند این تکذیب و این تلگراف در یک موقع بسیار حساسی بود در همان موقع بود که ایلات جنوب هم یک نهضتی تشکیل داده بودند و بالاخره شهرستان شیراز هم در آن نهضت شرکت کردند باشهرستانهای دیگر جنوب از آنجا بنده یک قدری دور بودم از تمام جریان اطلاع صحیحی نداشتم نمیتوانم اینچادرست قضاوت بکنم ولی چون عده‌ای از آقایان را میشناسم و بروح وطن پرستی آنها ایمان دارم، یقین دارم که آنها هم یک قدم برخلاف مصلحت و استقلال کشور شاهنشاهی ایران بر نداشته اند (صحیح است) و شاید این نهضت برای این بود که بتوانند در مقابل نهضت قلابی آذربایجان یک نهضت حقیقی را واقفاً ایجاد کرده باشند ولی در غرب اگر نهضتی شد استعمال اسلحه نشد، بلکه اسلحه را مادر دست گرفتیم برای اینکه در معیت ارتش برویم به آذربایجان و اشخاص را که بر علیه استقلال ایران قیام کرده اند نسبت بآن اشخاص بطریقی که واقفاً شایسته فداکاری یک ملت حساسی است روح میهن پرستی خودمان را جاننا و مالا نشان بدهیم (احسن) و بنده بخاطر دارم در آن اتحادیه خودمان در کرمانشاه جناب آقای یالیزی تشریف دارند آقای عزیز اعظم زنگنه هم تشریف دارند از همکاران محترم بنده هستند حتی همین آقای عزیز بلند شد در آن جلسه و گفت من خودم از نفرات خودمان آذربایجان برونم، مردم کرمانشاه باور بفرمائید از صفیر و کبیر حاضر شده بودند که اسلحه در دست بگیرند و عملاً فداکاری بکنند بدون اینکه تعارفی بکنند و این آقایان تمام ایلات غرب جمع شدند با حضور فرمانده تیب کرمانشاه آقای سرتیب شاهنده یکی از افسران با ایمان و میهن پرست و بیغرض و با شرف است و بنده از ایشان کمال تشکر را دارم فی الواقع میتوانم ادعا کنم که آقای سرتیب شاهنده روح مودت و یگانگی را در میان ایلات غرب و شهرستان کرمانشاه بنام معنی ایجاد کرد و این افسری است که از حیث خدمتگذاری شایسته این است که در این مجلس از او تقدیر بشود (صحیح

است) و بنام اهالی غرب در حضور مجلس شورای ملی ایران از ایشان اظهار تشکر میکنم زیرا ایشان یک مرد میهن پرست و جدی و فعال بودند و مقتضیات وقت را بطوری انجام دادند که در عوض اینکه بیگانگان بتوانند استفاده سونی بکنند فی الواقع بر علیه استفاده آنها و با استفاده کشور و موقعیت حساس کشور ما نمودند بنده شخصاً خودم هم یک دشمنانی داشتم و خیال میکنم که آن دشمنان من دشمنان ایران هم بودند و یکی از آن آقایان مظفر فیروز بود، این مظفر فیروز بنده آمدم اینجا فقط مطلبیکه میخواستم عرض کنم راجع بهمین موضوع بود منتهی لازم بود یک قسمت کوچکی هم از این جریان آقایان مستحضر باشند، آقای مظفر فیروز را بنده میدانم که آقای قوام السلطنه با ایشان اعتماد نداشتند و حالاً هم ندارند ولی سیاست خارجی در یک موقع حساسی مظفر فیروز را آورد اینجا (حاذقی - آقا تکرار نکنید اسم او را بگوئید آن شخص) (زنک رئیس) آن شخص کثیف آن کسیکه بضرر کشور ما خیلی اقدامات کرده است آن کسیکه سندیانش را تمام مستأجران دیده اند (صحیح است) و شاهد هستند یک همچو شخصی در یک موقع حساس در کابینه جناب اشرف آقای قوام السلطنه وارد شدند و فملاً میباشاه شدند ولی من میدانم که آقای قوام السلطنه چه خون دلی از دست ایشان میخورند، زیرا ایشان رامناهیع خارجی آورده بود و یک همچو مقامی با ایشان داده شده بود و اگر دولت مامم زیر بار یک همچو قضیه‌ای رفته بود برای مصلحت های سیاسی بود که ممکن است خود جناب آقای قوام السلطنه هم در این باره در جلسه خصوصی توضیحاتی بدهند (مکی - اشتباه شده بودند بنده این اشتباه کرده بود خارجی کدام است؟) فخر اشتباه نکرده بود.

رئیس - بگذارید صحبتشان را بکنند.

قبادیان - آقا جناب عالی در دوره چهاردهم این جا تشریف نداشتید که گرفتاری های ما را ببینید آن وقتیکه من میرفتم در ستاد ارتش اطراف تهران را قشون بیگانه اشغال کرده بود و ۷ مرکز در همین شهر شامل سلسله طیانچه، فشک، بب، نازنوک و سایر لپیچاد کرده بودند برای یک رولوسیون که تصورش برای آقایان اگر حالا باشد بنظر بنده خیلی مشکل میآید در یک همچو موقعیکه بیگانگان این اندازه قدرت پیدا کرده بودند البته مقتضیات کشور هم ایجاب میکرد که چنین شخصی پیش آقای قوام السلطنه بیاید و بنده از آقای قوام السلطنه دفاع نمیکم بنده منظورم از کسی است که واقفاً سند خیانت بدست ملت ایران داده و بشمام معنی قضیه آذربایجان و آن نهضت قلابی بوسیله مظفر فیروز و چند نفر دیگر بودند که سند خیانت آنها کلا در روشن است و بعد آقای مظفر فیروز میروند به سمت سفارت کبرای ایران در مسکو و معرفی میشوند قبل از رفتن سمرقند حکم توقیف بنده را صادر کردند، یکی از آن حکم‌هایی که صادر کرده اند بعنوان آقای سرتیب صفاری رئیس شهر بازر است که بنظر بنده ایشان هم از مردمان میهن پرست و با صداقت و درستکار این کشور است (صحیح است) میبویسد حساب الامر جناب اشرف آقان نخست وزیر بقید فوریت بایستی قبادیان را در شهر بانی توقیف کنید بنده از مقدمه این عرض

قبادیان - بنده عرضی خیلی مختصر است بنده که در برنامه دولت در ردیف موافقت مشروط بودم و بآن رأی اعتماد داده ام میل داشتم که مجلس موافقت بکنند عرضی که دارم بعرض آقایان و هیئت محترم دولت برسانم متأسفانه به بنده وقت داده نشد و یکمده هم از آقایان جلوتر اسم خود را نوشته بودند یک قدری هم قصور از خود بنده بود برای اینکه بنده زودتر اسم نویسی نکرده بودم (صحیح است) بنده خودم اقرار کردم دیگر محتاج به صحیح است آقایان نبود (خنده نمایندگان) عرض کنم که یک سوء تفاهاتی در خارج ایجاد شده بنده برای رفع هر گونه سوء تفاهمی میل داشتم که دو کلمه بعرض آقایان برسانم آقایان میدانند بنده جزو حزب دمکرات بوده ام و نسبت اصلاً از اول تا آخر و شاید عده‌ای از رفقای مجلسی تشریف داشتند آن شبی که در حزب دمکرات دعوتی از نمایندگان حزبی شده بود بنده آنجا صریح و روشن عرض کردم که بنده جزو حزب نیستم و نسبت بحکومت آقای قوام السلطنه البته اگر پیش آمده‌ای در این مدت ۱۷ و ۸ ماهه حکومت ایشان قبل از افتتاح مجلس شده است بعضی- هایش را بنده هم ایمان دارم که شاید برخلاف قانون بوده است ولی یک قسمتش هم بمصلحت مملکت بوده است (صحیح است) و جریان خیلی روشن است و ما عموماً وارد این جریان هستم بنده با شرط موافقت کردم با حکومت آقای قوام السلطنه و رأی هم دادم بحکومت ایشان ولی این شرط همیشه برای بنده محفوظ است که اگر چنانچه یک وقتی مشاهده بکنم که یک قدمی واقفاً دولت برخلاف مصلحت عالیه کشور بر میدارد بنده جزو اشخاصی هستم (مهندس رضوی - این حق برای همه محفوظ است) این حق البته برای همه محفوظ است ولی بنده چون جزو اشخاصی هستم کدر دوره زندگی یک امتحاناتی داده ام و نخواستم ام هیچوقت برخلاف مصلحت کشور اقدامی بکنم و حتی در دوره چهاردهم آنچه توانستم بصالح و خیر مملکت انجام دادم و حتی از فدا کردن جان خودم و رفقایم و ایلاتی که در غرب بود و حتی در شهر کرمانشاه یک اتحادیه قوی برای عدم تجزیه کشور ایران تشکیل دادم نشان دادم و ثابت کردم که روی عقیده خودم تاجان داشته باشم استوار هستم مثل یک آدم بی برنسیبی نیستم که هر دقیقه بشاخه‌ای بروم و از شاخه بشاخه دیگر ببرم، ایران را دوست دارم (سزاوار همه دوست دارند) و نسبت بایران وفادار هستم و تاجان هم داشته باشم چیزی را که برخلاف مصلحت کشور مشاهده بکنم مبارزه خواهم کرد از کسی هم ترس و واهمه‌ای ندارم و بخدارا شاهد میگیرم که روی تهدید روی تطمیع زیر بار نرفتم و اگر هم چنانچه با آقای قوام السلطنه رأی دادم روی همان بوده و بنده را مطمئن کردند که یک مطنی برخلاف مصلحت کشور در مجلس طرح نخواهد شد و حتی در برنامه‌های نسبت بعملیات گذشته شان هیچ کاری نکردند و فقط دماده بود و ما بآن ده ماده رأی دادیم فرمولی هم که آقای دکتر معظمی تهیه کرده بودند و مورد موافقت همه قرار گرفت ما هم روی آن عمل کردیم و بآن هم ما رأی دادیم بنابر این عرض میکنم که بنده جزو حزب نبوده ام که روی ترتیب حزبی با آقای قوام السلطنه رأی داده باشم، روی عقیده و ایمان و شروط تاریکه

از دولت دارند و یک انتظاراتی از مجلس دارند بنده درست شجاعی فرض میکنم و امیدوار هستم قسمی هم برخلاف مصلحت کشور بر ندارند و اگر خدای نخواسته بکلوزی یک اشتباهی بنمایند اولین کسیکه بر علیه حکومت ایشان بخواد قیام بکند شخص بنده هستم (بعضی از نمایندگان - قیام خیر) بنده با هر حکومتیکه برخلاف اصول قانون اساسی عمل بکند قیام خواهم کرد، این را آقایان اشتباه نکنید اگر ملت ایران و هر کس زیر این بارها برود خودش بدست خودش ریشه مشروطیت و دمکراسی ایران را کنده است و اگر ما بصورت اینکه مبارزه میکنیم کلمه قیام بنظر آقایان خیلی گران آمد بنده عرض میکنم هر فردی برایش واجب میشود که هر وقتی که مصلحت مملکت ایجاب میکند قیام بکند (صحیح است) نه اینکه حرف بزند بنده آدمی نیستم که با حرف بخوام کسی را تهدید بکنم بنده اگر لازم شد عمل خواهم کرد، این اشتباه را آقایان از خودشان رفع کنند، بنده عرض کنم در حکومت گذشته یک اتفاقی در کشور ایران افتاد، خیلی میل داشتم که جناب آقای قوام السلطنه هم تشریف میداشتند بعرض بنده گوش میدادند ولی البته این حق بنده محفوظ است و رسماً این تقاضا را خواهم کرد، زیرا در عرض این هفده ماهه حکومت ایشان یک قضیاتی پیش آمده است در قسمت غرب و اگر چنانچه این قضیه در نظر ملت ایران روشن نشود بنظر بنده یک خیانتی است و لازم است جریان آن روز و مبارزه شدید که اهالی غرب و مخصوصاً شهرستان کرمانشاه و ایلات آنجا برای حفظ استقلال ایران و عدم تجزیه ایران و مبارزه با پیشه وری و حزب کومله و اتفاقاتی که در آنجا افتاده است اینها یک پرونده‌های مفصلی دارد که از آن بایستی مجلس و ملت ایران کمالاً مستحضر شوند زیرا خدماتی که این مردم کرده‌اند اگر این خدمات مجهول باشد بنظر بنده دیگر قدری برای مردمان خدمتگذار باقی نماند، در ایلات غرب اول یک اتحادیه‌ای تشکیل شد بنام اتحادیه ایلات غرب در تنگ امام حسن این آقایان یک قرارداد و معاهده‌ای با هم دیگر بستند بنده قرارداد دادی را که بسته‌اند و الان حاضر دارم و اگر آقایان اجازه بدهند آن معاهده نوشته شده را قرائت میکنم (بکنفرانز نمایندگان - مفادش را بفرمائید) ولی البته میل داشتم که این قضایا با حضور هیئت محترم دولت باشد و مخصوصاً بنظر آقای نخست وزیر برسانم ولی چون ایشان تشریف ندارند بنظر بنده مشکل نیست که مجلس این قضیه را بفهمد و بعد هم اگر چنانچه لازم شد با هیئت دولت هم عده‌ای از آقایان صحبت کنند، عرض کنم این یک پرونده مفصلی است و اگر چنانچه تمام این پرونده را بخوام و اینجا قرائت کنم ممکن است اسباب زحمت آقایان بشود (صحیح است) ولی حتی القوه سعی میکنم آن معاهده امضاء شده را برای آقایان قرائت بکنم و تلگرافاتی که مغایره شده است آن قسمت را ازش صرف نظر بکنم و جوابهای نامه‌ها را (اردلان - مصلحتش را بفرمائید) بنده مدت‌ها است حرف نمی‌زنم، اگر چنانچه باندها نه بی‌ساعت به بنده مجلس وقت بدهد کمال میکنم شایسته باشد، چون اهالی غرب هم یک خدماتی کرده‌اند این مردم هم انتظار لطف و معیت از دولت دارند و یک انتظاراتی از مجلس دارند بنده

صرف نظر میکنم که چه جور بنده را آوردند بهتران و برای چه بنده بهتران آمدم این قسمت چون خیلی مفصل است بنده از آن صرف نظر کردم در موقعی که بنده آمدم بهتران و این حکم توقیف بنده بامضای مظفر فیروز معاون سیاسی نخست وزیر باداره کل شهر بانی کشور صادر شده بود (دکتر بقائی - با اطلاع آقای نخست وزیر) اگر ایشان اطلاع داشتند بنده توقیف نمیشدم ولی خوشبختانه ایشان اطلاع نداشتند و ایشان هم زیر بار نرفتند و بنده هم توقیف نشدم (احسن) و اگر چنانچه بنده این قضایا را نفهمیده بودم ممکن نبود برایگان رأی سفید آقای قوام السلطنه بدهم چون در یک قسمتش وارد بودم ایمان داشتم و از روی عقیده خودم رأی ایشان دادم بعد از آن حکم آقای سرتیب صفاری میروند پیش آقای نخست وزیر و این حکمی که بامضای معاون سیاسی نخست وزیر است روی میز آقای نخست وزیر میگذازند. آقای قوام السلطنه آنوقت متوجه این قسمتها میشوند و با اقداماتی که میشود توجه میدهند و میبینند در اصراف خودشان چه اشخاص خطرناکی مصدر کارهای مهم هستند و البته دستور دادند که این قضیه را اجرا نکنند. اجرا هم نکردند آقای مظفر فیروز باین هم اکتفا نکردند نقشه دیگری را طرح کرد برای انقلاب غرب و نقشه بسیار ماهرانه و استادانه ای هم بود ولی خوشبختانه طرف بیک اشخاص نبودند که گول بخورند و زود از جاده خارج بشوند آقای مظفر فیروز صلاح الملک صلاحیرا که آقایان میدانند باین سیاستی که دارد لیاقت این را دارد کاورا بدادر -

الجانین بفرستند بیک استانی (صحیح است) آنهم در یک موقع بسیار حساس آقای صلاحی را بعنوان استانداری فرستادند بکرمانشاه برای چه؟ برای این که زمینه انقلابی در غرب آقای صلاحی ایجاد بکنند تا بلکه قوای کشور مادر موقع لزوم بتوانند خودش را بآذربایجان برساند. زیرا اگر غرب هم دچار یک تشنج و انقلابی شده بود ارتش ما مجبور بود که میدان او وسیع تر قرار بدهد و آن نظری را که داشتند برای رفع عائله آذربایجان شاید بکلی انجام نمیکرفت آقای صلاحی در بند و رویش شروع کرد در ایالات تحریک کردن و وادار کردن مردم با انقلاب هر کدام از خوانین ایلات که میآمدند آنجا حتی بنده بخاطر دارم که بخوانین اورامان گفته بود لیک بسرها لیک بزبان کردی ما آن عمای است که زنهار بسرمی بینند و آنرا لیک میکویند و البته گفتن این کلمه یک توهین بزرگی بود برای آنها. آمدند پیش بنده و شکایت کردند که یک همچو توهینی آقای صلاحی بسا کرده است در جواب بآنها گفتم که آقای صلاحی مأموریت خاصی دارد ما از این حرفها نیابتی داخلور بشویم و نباید حاضر بشویم که این مرتبه این مأموریتی که ایشان دارند بتوانند انجام بدهند. آقای صلاح الملک نقشه ای که کشیدند و میخواستند اجرا بکنند و خوشبختانه موفق هم نشدند یک شرحی مینویسند به ژاندارمری کرمانشاه آقای سرهنک کمال که رئیس ژاندارمری آنجا بود مینویسند بقید فوریت قبادیان را توقیف کنید. هنک ژاندارمری باریس تب کرمانشاه مشورت میکند و به ملاقات بنده آمدند و به بنده گفتند که یک همچو اتفاقی افتاده است ولی این عمل باعث این خواهد شد که شما متعرض بشوید و دست بیک اقداماتی بزنید ؟ گفتم

بنده با نهایت اطمینان بجنابمالی عرض میکنم اگر توقیف هم بشوم آدمی نیستم که مردم را تحریک بر علیه استقلال ایران بکنم و نخواهم کرد بالاخره این نقشه هم که نقشه صحیحی بود که میخواستند بنده را توقیف کنند و بنده هم متعرض بشوم و دست بیک اقداماتی بزنم بنده راضی نشدم که مردم را تحریک کنم و دست بیک اقداماتی بزنم از این جهت هم مایوس شدند و خوشبختانه اغلب حضرت همایونی و شخص آقای قوام السلطنه خیلی زود متوجه شدند و ایشان را فوراً احضار بکردند در همان موقع اهالی کرمانشاه بیک مستعدیاتی بنام اتحادیه غرب به هیئت دولت آقای قوام السلطنه تقدیم کردند از نواب آقای رئیس استعدا میکنم این قسمتها را که بنده عرض میکنم مورد نظر قرار بدهند برای این که بنده از جنابمالی بنام اهالی غرب استعدا میکنم این قسمت هارا با آقای رئیس دولت مذاکره بفرمایند و مردم غرب را امیدوار بفرمایند. اهالی غرب مستعدیاتی دارند و البته این مستعدیاتی آنها ممکن نیست که بر خلاف قانون اساسی و قوانین مصوبه مجلس شورای ملی باشد هر چه ما پیشنهاد کرده ایم مطابق با قانون اساسی است. ما اصلاحاتی خواستیم از دولت. در درجه اول شهرستان کرمانشاه که یک شهرستان سرحدی و یکی از شهرستانهای تاریخی ایران است و مردم کرمانشاه از مردمان میهن پرست این کشور هستند و حتی در قضیه مشروطه و حکومت ديمقراسی این ها فداکاریهای بفتح این کشور کرده اند و امروز این ها از هر -

جمعیه از نمایندگان - عده کافی نیست
رئیس - آقا تأمل بفرمایند آقایان بیایدند . بفرمایند عده کافی شد .

قبادیان - این ها از حیث فرهنگ و بهداشت عقب هستند. کرمانشاه یکی از شهرستانهای بزرگ این کشور است و مرکز استان است و الان دارای صد و بیست هزار نفر جمعیت است اینکه بنده عرض میکنم صدویست هزار شاید بیشتر هم باشد برای اینکه از سال ۱۳۲۰ بيمد عده زیادی از اهالی اطراف بکرمانشاه آمدند و بواسطه ورود قوای بیگانگان جمعیت در خود کرمانشاه زیاد شد و عرض میکنم کرمانشاه آب ندارد حتی آب آشامیدنی ندارد. حکومت مرکزی مانا اکنون توجهی از این حیث باین شهرستان مهم نکرده بطریقی این قسمت مؤثر شده بود که بنده ننگ دارم در پشت تریبون این مطلب را عرض کنم که در موقعی که ارتش انگلیس در کرمانشاه بود و در تابستان این شهرستان دچار بی آبی شده بود بکدمه از کلبه های ارتش انگلیس روز ها آب میاورند در کوچه های کرمانشاه و مردم کرمانشاه بطریق کاسه و وسایل دیگری از آب استفاده میکردند و ما که دارای استقلال هستیم و کشور خودمان را هم کشور شاهنشاهی سه هزار ساله میدانیم یکی از شهرهای مهم ما که در سرجاده واقع شده و کلبه بیگانگان از آن عبور میکنند بیک همچو صورتی افتاده است که دوتا خیابان در آنجا احداث شده است و الان هشت سال است که این دوتا خیابان باز شده است و یک قسمت از شهر روی هم دیگر خراب شده

ملی لواهیی در این خصوص بمجلس میاورند برای ازدیاد نمایندگان، اهالی غرب بوسیله نمایندگان خودشان از مجلس شورای ملی استعدای عطف توجه نسبت باز دیاد نمایندگان دارند. قسمت سوم چون می بینم مجلس از اکثریت میند و بنده هم میخواهم مطلب را بیک قدری طولانی کنم اگر چه مطالب زیاد است و متأسفانه مجال پیدا نشد (جمعیه از نمایندگان - بفرمایند) ولی بیک مطلبی است که نمیتوانم عرض نکتم. من نمیدانم آقای مهندس رضوی که از کرمان انتخاب شده اند لابد اهالی کرمان از جناب عالی یک توقعاتی دارند (مهندس رضوی - از بنده توقعاتی ندارند) بفرمایند و بنده هم بدولت میگویم ولی عمل نمیکند. اگر جنابمالی این وظیفه تان را انجام ندهید این گنه برای مردم باقی است ولی اگر شما وظیفه خود را انجام دادید و دولت توجه نکرد بامجلس توجهی نکرد این تقصیر را شما از خودتان سلب کردید بنده هم روی این اصل بچورم این قسمت را عرض کنم. آقا در قسمت کشاورزی کرمانشاه و بلکه تمام ایران یک طرز عجیب و غریبی پیدا کرده است. دولت آقای قوام السلطنه آمدند کشت خشخاش را در کشور ایران قدغن کردند. البته همه ما معتقدیم که تریاک یک سمی است و تریاک انرژی انسان را کم میکند. تریاک قوه فعالیه انسان را خشنی میکند بالاخره کسی نیست که معتقد باشد باینکه واقعا تریاک چیز خوبی است. تریاک چیز بدی است ولی بنده میخواستم عرض کنم که آقا شما تریاک را در ایران از بین بردید و در حدود بیست میلیون بملت ایران و خزانه مملکت و کشاورزان ضرر خورد بجای تریاک چیز دیگری برای مادر دست گردید که این قسمت را از میان برداشته اند (مهندس علی مسعودی - دولت که آقا برای اصلاح نیست برای خراب کردن است) پنبه در کشور ما مخصوصاً در قسمت غرب پنبه کاری خیلی ترقی داشت بعدی که یک ایدار اقتصادی پنبه درست شده بود کشاورزان آنجا با کمالات میل و رغبت کشت پنبه را زیاد کرده بودند متأسفانه دولت آمد وضع اقتصادی پنبه را بهم زد و الا در قسمت کرمانشاه یک مثال پنبه نمی بیند در صورتیکه هزار تن پنبه داشته و نمیتوانستند صادراتی درست کنند باشند (زنک رئیس)

رئیس - آقا عده کافی نیست تأمل بفرمایند (عده کافی شد) بفرمایند .

قبادیان - این هم قسمت پنبه و اما آمدیم سر قسمت توتون، آقایان در قسمت کرمانشاه توتون کاری که آنجا میشود این اداره انحصار دخانیات میاید یکمن ۶ قران، ۱۲ قران یا ۱۸ قران از رعیت و مالک خریداری میکند و در بازار سیاه بپرود میفرشد یکمن ۶۰ تومان (صحیح است) این را درست فکر کنید، این در کجای دنیا، درجه جهنمدرومی واقعا یک همچو چیزی قید شده است که شما در بازار آزاد ۶۰ تومان بفرشید ولی از ما ۶ قران بخرید! آقا این وضع کشاورزی ما را بکلی بهم زده است و رعیت بدبخت بیچاره که در کشور ما زندگی میکند تمام سرمایه و زندگانش مربوط بهمین قیمت توتون و خشخاش و پنبه و غیره است وقتیکه دولت باینصورت با مردم رفتار بکند من خیال میکنم باینصورت چند سال دیگر اصلا اگر کشاورزی هم داشته باشیم از بین

برود من عقیده دارم دولت راجع باین موضوعات بیک فکر صحیحی واقعا بکنند (صحیح است) از تمام این ها گذشته قسمت ارز فقط چند نفر تاجر یهودی چند نفر از تاجر محترم خودمان که بنده جسارت هم نمیکنم تمام ارز این کشور و تمام مال التجاره کشور را اختصاً داده اند بخودشان و آنهم درم کز و تهران آقاسایر ولایات هم جزء ایران هستند (صحیح است) واقعا دولت باید بیک توجهی بکنند باین موضوعات واقعا بیک توجهی بکنند نسبت ب مردم چرا بایستی این خاصه خرجی باشد؟ (صحیح است) پانزده نفر در ندارند حق حیات نداشته باشند (مهندس رضوی - باید خودشان حق خودشان را بگیرند) اینها بایستی همان طور که بفلان آقا داده می شود که بنده اسم نمیزنم، باینها هم داده شد (صحیح است) اداره غله و نان آمده است از مردم تعهد گرفته است که فروش کنید آقای دکتر ماضی مثلا ۲۰۰۰ تن بدهند هر چند آقای دکتر معتمدی ملک ندارند مأمور سر سال آمده است و بفرموده مردم گرفته ولی حالاً آمده است و بفرموده این تعهد را بپردازد مانج آمده آفت زده، بارتنگی نشده، حاصل مردم از بین رفته برای مردم مقصور نیست که این گنه را تحویل بدهند ب اداره نان و غله، آنوقت میآیند مردم را میگیرند و اگر رعیت هم چهارم غله دارد بعنوان مالک مال رعیت را هم میگیرند میرسد باندر غله و نان و تنی ۲۳۰ تومان قیمت آنرا برای مردم معین کرده است آقایان در سرحدین البتین کس حرات ما بازر است و باهزار وسیله آنجا میشود قاچاق کنیم برد از ایران و کمال رواج را هم دارد حتی آن پستهائیکه با ما بن هستند و محافظ سر حد هستند آنها خودشان جزیره قاچاقچیها هستند و شریک هستند و هر روز هم صادر میکنند. با تمام این تفصیلی وقتی که کسی گنه را میبرد بن البتین تنی ۱۰۰۰ تومان میفرشد آنوقت شما ۲۳۰ تومان پول میدهید ما نمایانیم از کجا شکایت کنیم ماضی تقویم از کدام طرف است که این ملت نمایانیم؟ از هر کجا است میگناریم و نگاه میکنیم این مردم مینالند زیرا دادرسی نیست و تمام اتکاء ملت ایران بمجلس شورای ملی است و متأسفانه اگر آقایان هم باین طریق رفتار بکنند بنده بصدای رسا عرض میکنم که مردم از این مجلس هم خیلی زود مایوس خواهند شد و آن امید هائی که داشتند بیاس و ناامیدی مدل خواهد شد بیایند بیک وضعی، بیک کاری، بیک وسیله ای برای این مردم و برای این کارها تهیه بفرمایند، همین کمسیون کشاورزی را منمقد کنید، وزیر کشاورزی را بخواهید یک طرح قانونی درست کنید اگر دولت هم نمیکند خودمان این را درست کنیم و بتصویب برسائیم و نسبت ب مردم با اجرا بکنیم و این مردم را از این بلا تکلیفی و بدبختی نجات بدهیم دکتر مجتهدی - این کار دولت است آقا، ما نمیتوانیم) ما بایستی دولت را مجبور بکنیم باین که این کار را بکند، مملکتی که دارای پارلمان باشد دولت هم هزار گرفتاری دارد متوجه این قضایا نیست ما باید او را متوجه بکنیم و مجبور بکنیم باین که این قسمتها را انجام بدهد ولی این شایسته نیست که باین طریق ما رفتار بکنیم با ملت ایران. بیک مدارسی در قسمت

کرمانشاه بود در شاه آباد یک مدرسه بسیار بزرگی آنجا درست کرده بودند بیک مریضخانه بسیار آبرومندی درست کرده بودند قریب صد تخت خواب آنجا داشت شما آقایان بروید آنجا ببینید چهار نفر شاگرد آنجا میبینید نه معلم هست. نه حقوق هست هیچ چیزی ندارند، فرض بفرمایند مالاریا خیز است صفتها غرب، ما دوا میخواهیم، کی دوا میفرستد از وقتیکه آقای دکتر اقبال آمد من از اصاف نمیکندم ایشان بیک دکترهای بسیاری فرستادند (صحیح است) ولی این دکترهای بسیاری که میآیند آنجا چهار روز میمانند و بعد میروند و چهار بسته دوا ای گنه بکند ب مردم بدهند این کافی نیست مردم آنجا دچار بدبختی هستند بیک و شعبات بسیار بد و بفرقی دارند برای آسایش مردم برای اینکه وظیفه مسلم خودشان راست است به دم انجام داده باشد بیاید بیک کار حسابی برای مردم بکنند ماهم بیک مسئولیتهائی داریم، باید این مسئولیتهای را با نهایت صداقت انجام بدهیم، این انجام وظیفه است و اگر تصور بکنیم نسبت بموکلین خودمان خیانت کردیم شما که از شهرستانهای ایران آمده اید همه جامتل کرمانشاه است دولت را متوجه بکنید باین قضایا دست خودتان است دولت رامجبور بکنید بیک اصلاحات اساسی در کشور شروع بکنید و آنهاییکه فعلا ما به الا احتیاج مردم است اقلا آنرا جلو بیندازد اقلا آن قسمتها را که لازم است آنرا راه برد بکنند بنده چون تمام آقایان را خسته کرده ام بقیه مطالب خودم را میگذارم برای بعد.

جمعیه از نمایندگان - عده کافی نیست. بفرمایند عده کافی شد .

رئیس - اهالی غرب هم آقا تقاضاهائی یا مطالبی دارند همانطور آقای نماینده کرمانشاه بیان کردند مثل سایر اهالی کشور است (صحیح است) اگر شکایتی یا تظلمی دارند از راه مجلس تقدیم بکنند منم از راه مجلس بفرستم برای دولت (مهندس رضوی - کی گوش میدهم؟) آقای کشاویز صدر فرمودند که کما عمل نظر میکنم اولاً برای آنها هیچ فرقی نمیکند که یک نفر از نمایندگان مقدم یا مؤخر صحبت کند (مکی - منشیما هم شهر بگری را رعایت میکنم) حالا نوبت شماست، بفرمایند آقای کشاویز صدر.

کشاویز صدر - بنده خیلی متأسفم که آقایان خسته شده اند (صحیح است) بنده هم البته خلاصه میکنم عرایض را بنده اطلاع نداشتم که جناب آقای قبادیان میخواهند صحبت بکنند و راجع باین موضوعات است و در این ضمن هم هیچ عرضی نمخواستم بکنم ولی یکی دونه را در نطق ایشان دیدم که لازم میدانم توضیح داده بشود و تذکر داده بشود یکی راجع به مظفر فیروز فرمودند که آقای مظفر فیروز آدم خائنی است در این قسمتها تردیدی نیست ولی بیک نصیحتی ای را فرمودند که بنده ناچارم اینجا توضیح بدهم فرمودند که آقای قوام السلطنه مایل نیستند و بنده که آقای مظفر فیروز در دولت ایشان وارد شود و او را خارج جیها وارد کردند و مالک الرقاب هم شده بنده میخواهم عرض بکنم که مجلس ایران و ملت ایران اجازه نخواهد داد که هیچ خارجی دخالت بکنند و بیک کسی را تحویل بدولت او بکنند (احسن).

صحیح است) یکی هم موضوع اتحادیه عشاری‌ها در نظر بود که فرمودند، البته آقایان خودشان اظهار نظر میکنند که خدمت کرده اند در آن موقع ولی این نکته را نباید فراموش کرد که شمال و جنوب و شرق و غرب همه یکی هستند و هیچ اتحادیه شمال و غرب و جنوبی نیست همه را باید گفت اتحادیه ایران (قبادیان - ما هم برای ایران اینکار را کردیم) بلی، باید گفت اتحادیه ایران، اما مطلبی که بنده خواستم بر عرض آقایان برسانم موضوع جرایم و روزنامه‌ها بود که آقای دکتر اعتبار بطور سر بسته و اختصار اشاره کردند (محمد علی مسعودی سر بسته هم نبود) بنده خواستم بر عرض آقایان برسانم که در چند جلسه چه در ضمن برنامه دولت و چه قبلاً مفصلاً راجع به آزادی مطبوعات مذاکره شده و در اینجا نکته ای هم که بعضی‌ها میکنند مخالف این نظر شده باشند و استدلال میکنند باینکه خیر، جرایم فحاشی میکنند این را هم ما توضیح دادیم و هم عقیده‌های بنده توضیح دادند که نباید فحاشی کرد نباید توهین کرد (صحیح است) ولی اگر یک روزنامه ای از حدود عفت قلم خارج شد این را مطبوعات را که رکن چهارم مشروطیت است تعطیل کرد (صحیح است) بنده می بینم که روزنامه‌های مردم، نسیم صبا، شهباز، آتش، صدای وطن، مرد امروز، کیفر، تهران امروز، روستا و عده دیگر از جرایم را توقیف کرده است حکومت نظامی، بنده خواستم عرض کنم که روزنامه مردم ارکان حزب توده است، بنده از کسانی نیستم که موافق و هم آواز حزب توده باشم و اگر یک حرفی بزنم بن بگویند که خیر، تو بنفخ آنها این حرف را میزنی ولی ناچارم عرض کنم که آدم باید اصول و مبانی کار را همیشه حفظ بکند (صحیح است) چرا؟ وقتی که مجلس شورای ملی تشکیل شد یعنی حکومت مشروطه قائل شدند و ارکان حکومت مشروطه آمد، مجلس شورای ملی را بوجود آورد مقصود اساسی از حکومت مشروطه و دمکراسی اینست که آزادی فکر و آزادی عقیده و آزادی عمل برای افراد و جمعیت‌های یک مملکت موجود باشد، چه طور یکروزی که مسامحه و مناسب است که یک حزبی یا یک روزنامه‌ای یا یک جمعیتی یا یک شخصی با یک دولتی موافقت نکند آرزوی آزاد گذاشتن او برای هر گونه عمل خوبست ولی فردا اگر بخواهد اقدامی بکند یا در روزنامه‌اش چیزی بنویسد باید او را خفه کرد روزنامه او را بست؟ اینطور نیست، بعقیده بنده بایستی با حرفه‌ای که... این در دنیا معمول است که میگویند در یک جنگی که هست یا جنگ عمومی که هست قرارداد میکنند که آقا شما گاز خفه نکنند استعمال میکنند یا نه؟ اگر استعمال میکنند ماهم استعمال میکنند هم باید همینطور باشد یک حزب یا یک حزب دیگر، یک روزنامه یا یک روزنامه دیگر، یک جبهه‌ای یا جبهه دیگر از جرایم بطور مساوات با هم مبارزه کنند یعنی مبارزه منطقی کنند نه اینکه ما اجازه بدهیم که روزنامه‌های ارکان دولت و روزنامه‌های که طرفدار دولتند هر چه دلشان میخواهد بگویند و روزنامه‌های مخالف دولت (البته

بدهی است که روزنامه مخالف حرف خوب که نمیزند حرف بد میزند) و روزنامه‌های مخالف تا آمدند حرفی بنویسند تا اظهاری کردند آنها را حکومت نظامی بباید و توقیف بکند، این به است زیرا این عکس العمل میباشد بنده قول میدهم با آقایان اگر باز بهمین طریق حکومت نظامی را تقویت بکنند و ذهن جرایم را ببندند روز بروز بر تعداد مخالفین دولت در جرایم افزوده میشود چرا؟ برای اینکه این تعریص میشود، تحریک میشود بالاخره توی صد تا روزنامه ده تا روزنامه را قبول دارید که از روی بیخبری چیز می نویسند آنها میگویند آقا حکومت آزادی که سرنیزه ندارد اگر مباحثه میکنند، استدلال میکنند، روزنامه است، قول مرا رد کنید مردم هم قضاوت نکنند، حکومت نکنند، وقتی که میمانند این روزنامه‌های طرفدار دولت و نمیتوانند جواب مردم را بدهند، جواب جرایم را بدهند فوراً متوسل میشوند به حکومت نظامی و حکومت نظامی هم فوراً آن جرایم را توقیف میکند، بنده میخواستم عرض کنم که یک تاکتیک صحیح و خوبی آقای فرامرزی در روزنامه کیهان دارند و خواستم از دولت تقاضا کنم که این روش روزنامه کیهان را تقلید بکنند یعنی ببینند هر دسته‌ای، هر جمعیتی که روی حرف میزنند روی اصول و قواعد میروند از آن حمایت کنند و وقت که منحرف از اصول و حقایق میشود جلوش را بگیرند، بعضی‌ها ایراد میکنند روزنامه کیهان که چرا روزنامه کیهان یک روز طرفداری دولت را میکند یک روز مخالفت میکند اتفاقاً بنده هم معتقدم که بسیار خوبست زیرا باید افکار خوب دولت را تقویت کرد و افکار بد دولت را تنقید کرد، من خواستم از آقایان استدعا و از مقام ریاست تقاضا کنم که تذکر بدهند با آقای نخست وزیر که این حکومت نظامی، حالا هیچ بیسی نیست هیچ نگرانی نیست، این حکومت نظامی را برش دارید برود یا لااقل همان طور که آمدید آن ماده ای که میگوید عبور و مرور در شب ممنوع است متروک کردید ماده ۸ را هم که راجع بجرایم است متروک کنید، مدیر یک روزنامه آمد در آن جمعیتی که دعوت کرده بودند بنده را و گفت آقا آمده اند روزنامه من را توقیف کرده اند و مدیر کیفر، سردبیر کیفر، آن آقای نجابت بود، کی بود و من را بردند ۶ ساعت است توی شهر بانی نگاه داشته اند و حالا هم احضار کرده اند توی حکومت نظامی و چون تو اعلام کردی که وکالت مطبوعات را میبگیری، بیا از من دفاع کن و بنده واقفاً اینجابر عرض میکنم که مشکل است که بنده بمجلس برسم زیرا دو هزار نفر هستند که میخواهند بنده از آنها دفاع کنم و من وکالت داده اند که دفاع بکنم در محکمه (بعضی از نمایندگان دو هزار نفر نیستند) خوب تمام آنها بیک در روزنامه چرمی بنویسند بنده عرض خود را باین شعر ختم میکنم و واقفاً استدعا میکنم که آقایان توجه بکنند، تکیه بر سرنیزه کردن عیب ندارد ولی بر سر سرنیزه نشستن ضرر دارد (بنده نمایندگان) التفات فرمودید؟ این یکی از حرفه‌هایی است که نابالوون میگویند و آقای ملک الشعراء هم فرموده بودند: تکیه بر سرنیزه توان کرد لیک بر سر سرنیزه نباید

رئیس - آقای اردلان - بنده ترجیح میدادم که امروز

وارد دستور بشویم و یک کاری انجام بدهیم، این عقیده باطنی خودم بود ولی حالا که آقایان میفرمایند قرار است صحبت بشود من هم اجازه خواستم که چند کلمه عرض بکنم.

رئیس - آقای اردلان قدری تأمل فرمائید، عده کافی نیست (بعد از چند لحظه عده کافی شد) فرمائید.

اردلان - عرض کنم که دو نفر از نمایندگان محترم آقای دکتر اعتبار و آقای صدر کشاورز یک موضوع بسیار مهمی را امروز مذاکره فرمودند و آن موضوع جرایم و مطبوعات است و من شخصاً معتقد هستم که این موضوع قدری مهم است که ما باید یکی دو جلسه این موضوع را جزء دستور قرار بدهیم و صحبت بکنیم و بالاخره راه حل مناسبی که برای مملکت مفید باشد اتخاذ و اجرا بکنیم و هر روز هم نباید اینچنین یا بدولت تاخت بکنیم یا اعتراض بکنیم، بنشینیم و این موضوع را حل بکنیم (محمد علی مسعودی - راه حلش ساده است، آقای حکومت نظامی و فرستادن بجا حکم عدلیه) بنده این را واقفاً معتقد هستم و این موضوع را روی ایمان و عقیده میگویم که در یک مملکتی میتوان زندگی کرد که آزادی قلم، آزادی بیان، آزادی گفتار بنحو اتم و کامل رعایت بشود این عقیده من است و در عین حال بسیار برای من ناگوار است که در یک مملکتی زندگی بکنم که حیثیت و شرافتم متصل در معرض خطر باشد در هر صورت اگر ملاحظه داریم که اینجا موضوع مطبوعات را بیک نحو خوبی در بیاریم باید بیائیم اینجا بنشینیم صحبت بکنیم مجلس جای بحث است افکار و عقاید مختلف اظهار میشود آنچه مورد علاقه است بصورت قانون در میآید و احراء میشود. حالا ببینیم میشود در مملکت یک طوری ترتیب داده شود که هم حیثیت اشخاص محفوظ بماند و هم روزنامه‌ها بتوانند عقاید خودشان را آزادانه بگویند؟ بنظر بنده این موضوع آسان است و خیلی هم مشکل نیست. بنده یکی دو روز از وقت خودم را نظر به علاقه‌ای که داشتم رفتم بداره قوانین مجلس و نسبت بقانون مطبوعات آنچه که در ادوار گذشته مجلس شورای ملی قانون برایش وضع شده مطالعه کردم این مطالعات خودم را بآنچه که در روزنامه‌ها راجع به له و علیه مطبوعات خوانده ام، حالا خلاصه‌اش را بر عرض آقایان میرسانم و من گمان میکنم این راه حلی را که من پیشنهاد مینمایم اگر آقایان موافقت فرمایند یک راه حل مناسبی خواهد بود و اینکار بیک نحو خوبی درست خواهد شد. سه نکته باید عرض کنم که در محرم ۱۳۲۶ قمری در دوره اول قانونگذاری مجلس شورای ملی یک قانونی بنام قانون مطبوعات بتصویب مجلس رسیده است که دارای ۵۲ ماده است البته این قانون از اول مشروطیت تا حالا آنطور که شایسته است اجرا نشده بسیاری از مطالب آن بلا اجرا مانده است بعد در سیم دیماه ۱۳۲۱ در دوره ۱۳ آمدند و آن قانون مطبوعات را که الان ما میبینیم از روی عمل، شش ماه قانونی است که در دوره ۱۳ بتصویب رسیده است بنده صد و صد باین قانونی که در دوره ۱۳ بتصویب مجلس شورای ملی رسیده است مخالف هستم و علت اصلی عیب مطبوعات را من در اینجا میدانم در اینجا این سه ماده است که یک ماده‌اش قابل

اهمیت است بنده اگر اجازه بدهید برای اینکده یک نتیجه‌ای برسیم این ماده را میخوانم تا ببینیم که اشکال در چیست. ماده اول قانون مصوب سیم دی ماه ۱۳۲۱ از تاریخ تصویب این قانون کسانی میتوانند صاحب امتیاز یا مدیر یا سردبیر روزنامه یا مجله باشند که علاوه بر شرایط مقرر در قانون مطبوعات ششم محرم ۱۳۲۶ صلاحیت آنان را از لحاظ تمکن مالی و سرمایه علمی و اخلاقی شورای عالی فرهنگ با رعایت نوع روزنامه یا مجله که میخواهند منتشر کنند و سندی که در آن خواهند داشت تصدیق نماید. این ماده قانون یک انحصاری بوجود آورده و محدودیتی قائل شده است در صورتیکه در قانون اساسی ما این محدودیت باین نحوی که در این قانون پیش بینی شده نیست، بموجب این قانون یک اشخاصی میآیند صاحب روزنامه میشوند با یک تشریفاتی آنوقت حق امتیاز روزنامه نگاری را برای خودشان نگاه میدارند و وقتی که این حق روزنامه نگاری را برای خودشان محفوظ داشتند شروع میکنند به سیسبه، بسیاری از روزنامه‌ها هست که شایسته تقدیر است. روزنامه کیهان یکی از روزنامه‌ها هست که آقای مدیرش امروز شرح دادند برای ما روشن است روزنامه‌های دیگری هم هست مثل اطلاعات خیلی‌ها هستند بنده اسم نبریم ولی خیلی از روزنامه‌ها هم هستند که از این مقام شاخ روزنامه نگاری از این وظیفه مقدس یک قدری منحرف میشوند (صحیح است) میآیند و با بروی مردم میزنند فحش میدهند ناسزا میگویند (مکی- غالباً حقایق را میگویند) و وقتیکه شما بآنها کاذب مینویسید که آقا شما مطابق ماده ۱۰ قانون مطبوعات بحیثیت و آبروی من صدمه زده‌اید باین دلیل، باین دلیل، باین دلیل این بیان شما درست نیست اصلاً درج نمیکند آقا آنوقت شما آمدید حق انحصار را بیک روزنامه دادید که آنچه خودش صلاح میدانند مینویسد و باو آزادی داده‌اید ولی از آن طرف شما از دیگران سلب آزادی کردید، باو قانون حق داده است که اعتراض خودش را بنویسد ولی آن روز نامه مینویسد، درج نمیکند اینست که بنده پیشنهاد میکنم مجلس شورای ملی موافقت نماید یک طرحی با اطلاع دولت تصویب بشود که اصلش این قانون مصوب دیماه ۱۳۲۱ را ما حذف بکنیم یعنی من شخصاً معتقدم که هر کس در این مملکت بخواهد هر روز نامه ای منتشر بکند هر کتابی بنویسد، هر گفتاری دارد آزادانه بگوید و بتواند انجام بدهد یعنی این عقیده شخصی من است این انحصار را از بین ببریم شرط اولش این است و بنده سه نظر دارم که در اصلاح قانون مطبوعات باید مراعات شود اولش آزادی مطلق بدهیم که فقط و فقط بموجب قانونیکه از مجلس شورای ملی گذشته که قانون ثبت علائم و آثار تجاری است، یک قانونی هست که ثبت شرکته‌ها اسمش هست این قانون البته بتصویب مجلس شورای ملی رسیده امروز اگر یک کسی میخواهد یک روزنامه دایر بکند مطابق آن قانون باید برود اسم خودش را در آنجا ثبت بکند یعنی اگر روزنامه اطلاعات چون اسمش مدتی است، مال یک شخص معینی است یکی دیگر

نمیتواند این اسم را بگیرد این قانون باوا اجازه نمیدهد بنا بر این میبود آنجا میگوید مثلا من میخواهم یک روزنامه ای باسم آزادگان درج کنم چنانچه الان من میخواهم بروم شرکت سهامی تجارتی خوزستان را فرضاً تأسیس کنم این بایستی اجازه داده شود این قانون از مجلس شورای ملی گذشته است و مانعی ندارد که هر کس در این مملکت بخواهد یک شرکتی را تأسیس بکند بهر نحویکه صلاح میدانند با سرمایه کم یا با سرمایه زیاد بوجود بیارند میبود آنجا اسمش را ثبت میکنند بنابراین این قانون سوم دی ماه مانع این صکار است و اگر ما این را برداشتیم در درجه اول آزادی مطبوعات را در مملکت خودمان رعایت کرده ایم آزادی که در قانون اساسی پیش بینی کرده است آزادی مطبوعات است و این قانون سیم دیماه ۱۳۲۱ آنرا محدود کرده است. این شرط اولی بود که بنده پیشنهاد میکنم آنوقت شرط دوم مطابق همان قانون ثبت علائم تجاری که عرض کردم روزنامه‌های که بخواهد اسم خودش را به ثبت برساند مثل یک شرکت تجاری سرمایه‌اش را معین بکند آنوقت وقتیکه سرمایه را معین کرد لازم‌اش این است که دفاتر تجاری منظم داشته باشد تا هوای این روزنامه و هزینه‌اش کاملانظم در آن دفاتر نوشته میشود آنوقت این شخص اگر کار روزنامه‌اش فروش نرفت و دفاترش نشان نداد و باز هم دیدیم دایر میشود میتواند دادستان بگوید که آقا بنده آمده‌ام بپرسم که این هزینه روزنامه شما از چه محلی تأمین میشود (برزین - صحیح است) این قدم دومی است که لازمه این کار است پس اول لغو قانون سوم دیماه ۱۳۲۱ دومش مطابق قانون ثبت علائم تجاری برود آنجا شرکت خودش را به ثبت برساند و آنوقت در درجه سوم یک دادگاه مطبوعات ماباید بوجود بیاریم بنده شخصاً مخالف این هستم که یک دادگاه اختصاصی در این مملکت داشته باشیم یا بایستی که یک دادگاه عمومی داشته باشیم که هر گرفتاری هر کسی داشته باشد بتواند آنجا رجوع بکند ولی نسبت بجرایم برای اینکه دادگاههای ما هنوز مجهز نیست بعلاوه وقت این کار را ممکن است نداشته باشند (برزین - قانون اساسی خودش میگوید) بسیار خوب مطابق قانون اساسی و هیئت منصفه یک دادگاه ویژه مطبوعات مابوجود بیاریم و آنوقت همان طوری که آزادی مطبوعات را از یکطرف تأمین کردیم آنوقت حفظ حیثیت و شرافت مردم را هم در آن محکمه تأمین میکنیم (صحیح است) این را آزاد میگذاریم محکمه را هم آزاد میگذاریم اگر حرف حق نوشت هیچکس نمیتواند شکایت بکند، هیچ قانون حکومت نظامی نمیتواند او را توقیف بکند، یا هیچ دولتی نمیتواند توقیف کند اگر هم بحیثیت و شرافت یک شخصی صدمه زد میتواند برود بآن محکمه تظلم بکند یا اینکه این شخص بدون جهت بمن توهین کرده است شما رسیدگی کنید دادستان بباید حالا اینطور نیست بنده آقایان بخار بیارید آقای دکتر مظفری شاید باشند، باشد در دوره چهاردهم وقتی که کابینه آقای صدر معرفی شد من بعنوان مخالف در کابینه ایشان صحبت کردم و منظور من همین قانون مطبوعات بود آقای صدر آمدند اینجا و قول دادند که ما این کار را خواهیم کرد و این قول ایشان مخصوصاً

صورت مجلس مخصوص مندرج است که «دادگاه ویژه مطبوعات را ایجاد خواهیم کرد» و قول هم دادند که بعد از این دیگر باتلفن و حکومت نظامی جرایم را توقیف نکنند ولی بدبختانه من باید در اینجا اقرار بکنم که چیزی که مانع است از اینکه از اول مشروطیت تا حالا این موضوع مهم صورت وقوع پیدا نکرده دو چیز است یکی دولتها یکی هم خود روزنامه ها هر دو مسبب هستند . من توضیح میدهم خیلی علاقه دارم استعفا بکنم توجه فرمائید . اما دولت چرا علاقه ندارد باینکه این موضوع اصلاح شود خیلی واضح است اگر حالا رئیس دولت میل باینکار نداشته باشد آندستگاههای فاسدی که کارهای زشت میکنند و مایل نیستند که کارهای زشت و بد آنها را روزنامه ها افشاء بکنند هیچوقت نمایندگان لایحه صحیحی تهیه بکنند و بدولت بدهند که مجلس بیاورد من نمیتوانم بگویم که آقای صدر این نیت را نداشت و شاید رفت و دستور هم داد ولی آن اشخاص که در ادارات بطور جزء نشسته اند و کارهای خلافی میکنند و میخواهند که روزنامه ها اسرار آنها را فاش نکنند همیشه آنها مانع هستند که یک دولتی یک لایحه ای در اینخصوص بمجلس بیاورد این نظریه مسلم است ولی در عین حال من باید بگویم یک دستگاه دیگر هم مانع شده است از اول مشروطیت تا حالا که چنین قانونی بیاید بمجلس که مردم و دولت و عامه از این قسمت راحت باشند خود روزنامه ها هستند ملاحظه فرمائید از اول مشروطیت تا حالا در تمام این جرائم مادیه ایم باشخاص بد گفته اند ، فحش داده اند ، ناسزا گفته اند (برزین - غالباً باشخاص بد بد گفته اند) آقا اینطور فرمائید من در دوره گذشته یک شخصی اظهار تمایل کردم و بعد رای اعتماد باو دادم و در روز نامه ها جسارت است نوشتند الاغ این مدیر روزنامه تا این ساعت در یک محکمه محاکمه نشده است؟ روزنامه اش توقیف نشده ؟ ولی بعد از ده روز دو مرتبه همان روزنامه باز آزاد شد. آقا اینطور نیست شما حقیقت را ببینید وقتی یک روزنامه ای دید که آنچه دلش خواست بگوید و آنچه بدگفت بنده فقط روزنامه با یا شمل را عرض میکنم روزی نوشته بود که آقای نخست وزیر چکار میتواند بکنند روزنامه مرا توقیف میکند تمام روزنامه ها هم عقیده شان اینست تنها جرم و مجازاتشان هم همان توقیف است در

صورتیکه اینطور نیست چند روزی توقیف میکنند و بعد آزاد میکنند و این جری تر میشود سخت تر حمیه می کنند و می دانند مجازاتی نیست و چون میدانند مجازاتی نیست و توقیف روزنامه ۱۰ روز ۱۵ روز هم چیزی نیست باینوضع راضی هستند بنا بر این آنها هم باطنا میل ندارند که قانون مطبوعات اصلاح بشود و این قضیه هم کمک میکنند با دولت که این اصلاح نشود والله این عین حقیقت است که عرض میکنم (صحیح است) اگر بخواهیم این کار اصلاح شود ما نبایستی نه بدولت نگاه بکنیم و نه بروزنامه ها نگاه بکنیم که چه میگویند ، آنچه صلاح مملکت است باید انتخاب بکنیم بنده عرض میکنم باز هم تکرار میکنم مطالبه کردم ، فکر کردم ، زحمت کشیدم توجه بکنید ما باید یا بطور طرح یا بطور قانون این را بیاوریم در مجلس ، اول آزادی مطلق بدهیم بمطبوعات که مطابق ثبت شرکتها بتوانند ثبت کنند دوم یک دادگاه ویژه این نظر مجلس است و انشاء الله آقایان هم کمک میکنند (احسن) (برزین - آقا طر - آنرا تهیه بکنید) اگر آقایان کمک بکنند یک طرحی را تهیه میکنم و از آقای رئیس هم تقاضا میکنم جلسه را تعطیل نکنند بنشینیم یک ساعت کار بکنیم .

رئیس - پیشنهادی در ورود بدستور رسیده که قرائت میشود .

(پیشنهاد آقای رضوی بشرح زیر قرائت گردید)

بنده پیشنهاد میکنم مجلس وارد دستور بشود .

دهقان - بنده مخالفم .

رئیس - آقای رضوی توضیحی دارید فرمائید .

رضوی - عرض کنم در بحث قبل از دستور استفاده ای است که هر نماینده ای بعنوان عقیده نمایندگی خودش میتواند بکند و از این نظر هم قانون و نظامنامه هم راه داده است که قبل از دستور حرف بزنند ولی کار مجلس دستور است یعنی از آن ساعتیکه اینجا میآئیم و تا وقتیکه میرویم حرفهاییکه گفته میشود بعنوان قبل از دستور نظر فردی بکنفر نماینده است حق هم دارد هر چه بخواهد بگوید اما کاری که میکنیم که اگر بگویند چکار کردی

جواب بدهیم آن کار دستور است اما اگر روزی بیاید که مقدمه جای ذی المقدمه را بگیرد آن روز باید بمجلس اعتراض بکنیم از طرف دیگر هم یکساعت ، نیمساعت آمدن و چهار کلمه حرف زدن این که کار نشد بنده معتمد که جلسه بدون دستور که نمیشود بر حسب قانون هم امروز دستور مجلس انتخاب کمیسیونها باید باشد برای اینکه کمیسیونها باید مشغول کار بشوند . بنده چون حالا در این موضوع صحبت داشتم اگر مجلس موافقت کرد که دستور شروع بشود آنوقت جلسه دیگر انتخاب کمیسیونها است .

رئیس - آقای دهقان مخالفید؟ فرمائید .

دهقان - بنده یاد میآید که خود آقای رضوی نماینده محترم در چند جلسه قبل تقاضا داشتند از مقام ریاست که در بعضی ایام هفته نمایندگان اجازه داده شود فرصت داده شود که مطالب و شکایاتی که هست و از مردم میرسد قبل از دستور بعرض مجلس برسانند و قبل از دستوریان بشود امروز هم یکی از آنروزها است که بعضی از نمایندگان بتوانند مسائل بسیار مهمی را که مردم بآن مبتلا هستند بیان بکنند و نظر نمایندگان را جلب بکنند و چند نفر از آقایان هم که اجازه خواسته اند مطالبی دارند بعرض مجلس برسانند دستور هم انتخاب کمیسیونها بوده که هنوز گما میکنم تکلیفش روشن نشده برای اینکه آن ترتیبی که در نظر گرفته شده عملی نیست و قرار شد که شعب نمایندگان خودشان را معین بکنند برای انتخاب کمیسیونها (محمدعلی مسعودی - دستوری است دیگر درست کرده اند) این است که بنده مخالفم با ورود دستور و خواستم تمنی کنم اجازه داده شود بقیه نمایندگان که اجازه خواسته اند صحبت بکنند .

بعضی از نمایندگان - اجازه بدهید صحبت بکنند .

۳- موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - بایستی رای بگیریم عده برای رای کافی نیست جلسه را ختم میکنیم، جلسه آینده روز پنجشنبه ساعت هشت و نیم صبح

(مجلس نیمساعت بعد از ظهر ختم شد)

رضاحکمت رئیس مجلس شورای ملی -

تصحیح لازم

در جلسه ۱۶ تاریخ ۲ شهریور صفحه ۱۰ استون ۲ سطره کلمه (لرزان) غلط کلمه (آرام) صحیح